

هشدار امام!

(... دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



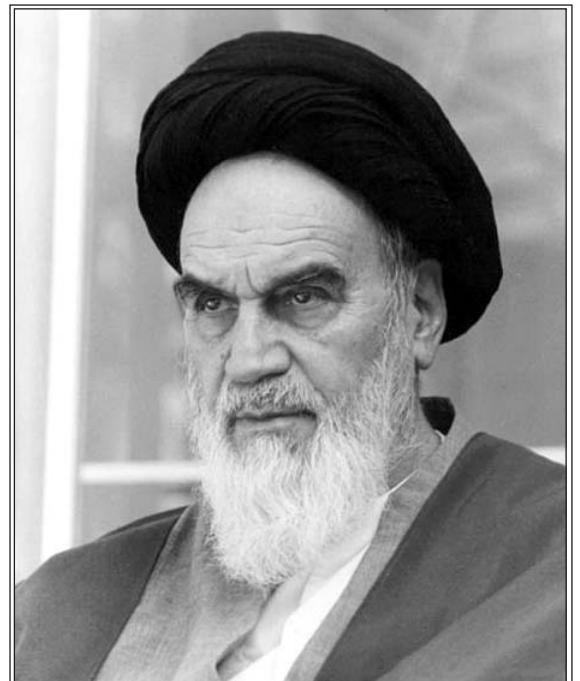
سپاسی. اجتهالی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۸

شماره مسلسل ۱۴۰۷

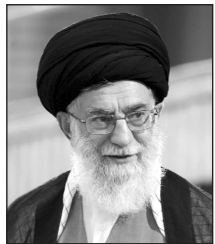
نیمه دوم تیر ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان



طرح حکومت اسلامی در اندیشه امام خمینی و سید قطب

صفحه ۶



رهبر انقلاب در دیدار اساتید و کارشناسان تخصصی مهدویت: تطبیق برخی علائم ظهور بر اشخاص اقدامی غلط و انحرافی است

صفحه ۱۲

گفت و گو با آیت الله دکتر سیدمصطفی محقق داماد رییس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم:

جامعه نقاد جامعه متعالی است

صفحه ۹



حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلتی:

دکانهای مرید پروری ریشه برخی نحله ها

صفحه ۱۱



صدوقی امام جمعه صدوق یزد

صفحه ۱۰



مولوی اسحاق مدنی: دشمن در صدد مصادره بیداری اسلامی است

صفحه ۵

بیانیه مجمع تقریب به منظور کمک رسانی به آسیب دیدگان نهضت های اسلامی

صفحه ۵



ارادت مسیحیان به امام حسین (ع)

در زمان پدر امیر المؤمنین (ع) و برادر (امام حسن مجتبی (ع)) تابع امام زمان خود بودند و این را از پدر بزرگوارشان به ارث برده بودند که در زمان رسول الله (ص) تابع محض ایشان بودند و حتی خطبه نخواندند و سخنرانی نکردند. درس دیگر، درس آمادگی برای فداکاری در دفاع از اسلام و چشم پوشی از منافع شخصی و خانوادگی در برابر مصالح اسلام و امت اسلامی می باشد.

رابطه انقلاب ایران و حادثه عاشورا وی در بخش دیگری از سخنان خود به رابطه انقلاب ایران و انقلاب امام حسین اشاره کرد و گفت: رابطه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب حسینی در عاشورا رابطه علت و معلول است و حادثه عاشورای امام حسین (ع) علت محدثه و مبقیه انقلاب اسلامی ایران است و بنابراین وجه شباهت های فراوانی بین این انقلاب و حادثه عاشورا از جمله در اهداف، شیوه دفاعی و رهبری وجود دارد.

ارادت مسیحیان به امام حسین علیه السلام حجت الاسلام والمسلمین رئیس زاده علاقه و محبت ایرانیان به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) را دارای ریشه دیرینه دانست و اظهار داشت: این علاقه و محبت به اهل بیت (ع) خصوصاً امام حسین (ع) اختصاص به شیعیان ندارد بلکه اهل سنت ایران و نیز اقلیت های دینی همچون مسیحیان ارادت ویژه ای به امام حسین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) دارند و در مراسم عاشورای حسینی نیز برخی از مسیحیان در مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان حضور یافته و نذر و نیاز می دهند.

رایزن فرهنگی ایران در بیروت گفت: علاقه و محبت به اهل بیت (ع) خصوصاً امام حسین (ع) اختصاص به شیعیان ندارد بلکه اهل سنت ایران و نیز اقلیت های دینی همچون مسیحیان ارادت ویژه ای به امام حسین (ع) و ابوالفضل العباس (ع) دارند.

حجت الاسلام والمسلمین رئیس زاده در گفتگو با الکتور ابراز داشت: بر اساس دیدگاه عرفا، ماه های رجب و شعبان، ماه های آماده شدن برای ورود به ماه مبارک رمضان و ده روز اول و دوم رمضان، مقدمه ورود به لیل القدر است که برتر از هزار ماه می باشد بنابراین باید نسبت به اهمیت ماه شعبان توجه داشته باشیم و از مناجات شعبانیه و ادعیه و اعمال عبادی این ماه غافل نشویم تا به لیل القدر برسیم.

فرصتی طلایی که نباید از دست برود وی با اشاره به مناسبت های مذهبی موجود در ماه شعبان، تأکید کرد: این مناسبت ها فرصتی طلایی برای آشنایی با سیره علمی و عملی اهل بیت (ع) هستند بویژه آن که در زمان حاضر، با توجه به تهاجم فرهنگی غرب به جامعه اسلامی بیش از پیش نیازمند به آشنایی و عمل به سیره امام حسین (ع) و سایر ائمه (ع) می باشیم.

درس هایی از امام حسین علیه السلام معاون اسبق فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت افزود: متأسفانه یاد امام حسین (ع) بویژه در مراسم عزاداری منحصر به یادآوری حوادث کربلا و شهادت مظلومانه ایشان و اصحابشان در عاشورا شده است در حالی که سیره امام حسین (ع) درس های فراوانی برای ما دارد از جمله آنکه ایشان

شیخ الازهر در واکنش به سلفی ها:

شیعه جزء جدایی ناپذیر اسلام است



این مذهب را روشن کند. امت اسلامی همواره تاکید داشته که رویکرد فراگیر علمای بزرگ جهان اسلام بر اصل وحدت می تواند زمینه وحدت مسلمانان و مقابله با توطئه دشمنان را فراهم آورد. امری که نتیجه آن حل مشکلات جهان اسلام در چارچوب وحدت میان فرق اسلامی است. در همین حال حزب الله لبنان با صدور بیانیه ای نسبت به موضع اخیر شیخ الازهر در خصوص حمایت از شیعیان و ضرورت تقویت روابط میان اهل سنت و شیعیان اعلام کرد: این مواضع راه را بر هر کسی که می خواهد میان مسلمانان تفرقه ایجاد نماید، می بندد. حزب الله با اشاره به اینکه موضع شیخ الازهر تنها راه مبارزه با توطئه دشمنان است، تأکید کرد: با غنیمت شمردن فرصت، ضمن حمایت از این موضع، بار دیگر همگان را به تقویت وحدت و یکپارچگی و حمایت از مقاومت با هدف اعتلای خواسته های مردم، حمایت از مقدسات آنها و بازگرداندن بزرگی و عزت، دعوت کنیم.

در مواضعی وحدت گرایانه شیخ الازهر ضمن تأکید بر نقش شیعه در جهان اسلام، وحدت میان دو بال امت اسلام (شیعه و سنی) در زمانی که اسلام در هجمه بیگانگان قرار گرفته را یک ضرورت دانست.

همزمان با تشدید تحركات تفرقه افکنانه دشمنان جهان اسلام از جمله سلفی ها، دکتر شیخ احمد الطیب رئیس دانشگاه الازهر مصر با تأکید بر لزوم مقابله با این تفرقه افکنی ها گفت: مذهب شیعه اثنی عشری یکی از بزرگترین مذاهب اسلام بوده و پیروان این مذهب همانند سایر مسلمانان جهان مورد احترام الازهر می باشند. وی در گفت و گو با روزنامه "الوطن" کویت تصریح کرد: شیعه و سنی دو بال امت اسلام هستند و شیعیان ریشه در تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام دارند بنابراین نمی توان شیعیان را از اسلام جدا دانست.

شیخ الازهر ادامه داد: همانگونه که تعدادی از علمای اهل سنت و طلاب دینی اهل سنت در ایران تحصیل می کنند آمادگی پذیرش طلاب شیعه ایرانی در الازهر را داریم و مذاکراتی را نیز با برخی علمای بزرگ شیعه در ایران داشته ایم و قدم طلاب ایرانی در الازهر را گرمی می داریم. لازم به ذکر است این سخنان در پاسخ به سخنان شیخ احمد بن سعد بن حمدان الحمدان از علمای سلفی وهابی عربستان در چند روز گذشته است وی از الازهر خواسته بود با تکفیر شیعیان تکلیف جهان اسلام با

گونه آن دو بزرگوار اندیشه سیاسی اسلام را از قید و بند تأویل‌ها و تفسیرهای مبتنی بر حدس و گمان رها ساختند.

امام خمینی و سید قطب: فقه نهضت

پایداری در مقابل قدرت حاکم به شیوه امام خمینی و سید قطب در اندیشه سیاسی اسلام، اجتهادی نو بشمار می‌رود. اما این موضعگیری ارائه فقه نهضت را از آن دو بزرگوار می‌طلبید تا شعار برکناری دولت شرک و برقراری حکومت الله از مرحله تئوری خارج شده و جامه عمل به خود ببوشد. سید قطب ابتدا اعلام کرد که این حکومت و این فرمانروای طاغوتی که به آنچه خداوند نازل کرده است، حکومت نمی‌کند "هبل، هبل! سبیل سبک سری و سرسپردگی و فریب است." (۳۵) امام خمینی اعلام نمود که این حکومت که احکام خداوند را جاری نمی‌کند یک حکومت طاغوتی است. (۳۶)

ولی آیا حکومت اسلامی که مورد نظر آن بزرگواران بود، به یک منطقه جغرافیایی خاصی محدود می‌شد؟ هرگز! آنان تمام تلاش‌های خود را بر پایه برقراری حکومت اسلامی و تداوم گسترش و نشر اسلام در سطح جهان استوار کرده بودند... تا این دین، بشریت رنجور را از غل و زنجیر قوانین وضعی بشری اسارت بار نجات دهد. امام خمینی و سید قطب از منبع زلال وحی و صدر اسلام الهام گرفته بودند، از منبعی که نقطه نظرهای آنها را در مورد واقعیت‌های جهان امروز و اسلام انقلابی یکجا گردآوری و افکار یکرنگ و بی‌شائبه شان را تلاقی داده بود. در نخستین صفحات حکومت اسلامی و نشانه‌هایی

در راه آن دو بزرگوار موضع خود را در قبال تمدن غرب و ماهیت آن مشخص کرده‌اند... امام خمینی می‌گوید: آنها به کره مریخ هم بروند، به کهکشان‌ها هم بروند، باز از سعادت و فضائل اخلاقی و تعالی روحی و معنوی دورند و قادر نیستند مشکلات اجتماعی خود را حل کنند. (۳۷) و سید قطب می‌گوید: امروزه بشریت به علت ورشکستگی ارزش‌هایی که قاعدتاً حیات انسانی در سایه احترام به آنها می‌تواند رشدی سالم و پیشرفتی منطقی داشته باشد، در لبه پرتگاه قرار گرفته است... و این حقیقت برای غربیان کاملاً آشکار شده است، زیرا جهان غرب، دیگر نه تنها ارزش‌هایی جهت عرضه به بشریت در اختیار ندارد، بلکه حتی چیزی را هم ندارد که بتواند در مورد شایستگی برای اظهار وجود، وجدان خود را با آن قانع کند. (۳۸) و: "رهبری بشریت توسط غربیان به آخر خط رسیده است... نه اینکه تمدن غرب از نظر مادی ورشکست شده و یا از نظر نیروی اقتصادی و نظامی دچار انحطاط گشته، بلکه نقش نظام غرب به پایان رسیده است، زیرا که اندوخته‌های ارزشی آن که به آن تمدن اجازه می‌داد رهبری را در دست بگیرد، دیگر وجود ندارد" (۳۹) و: "چنین جوامعی، بی‌شک جوامع عقب مانده است" (۴۰)

سپس امام خمینی و سید قطب اندیشه و تفکر اسلامی را به عنوان تنها داروی نجات بخش بشریت از درد و رنج و تسلط محنت بار اندیشه‌های غرب - کمونیسم و سرمایه داری - و عمل سرسپرده اش را مطرح می‌سازند... امام خمینی می‌گوید: "چون حل مشکلات اجتماعی و بدبختی‌های آنها محتاج راه حل‌های اعتقادی و اخلاقی است، کسب قدرت مادی یا ثروت و تسخیر طبیعت و فضا از عهده حل آن بر نمی‌آید." (۴۱)

و سید قطب می‌گوید: "بشریت نیاز به یک رهبری جدید دارد... و تنها اسلام است که آن ارزش‌ها و این قدرت را داراست." (۴۲). امام خمینی موضع خود را در قبال این مسئله به طور شفاف بیان می‌دارد و می‌گوید: "سلطنت و ولایتعهدی - حکومت موروثی - همان چیزی است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده و بساط آن را در صدر اسلام در ایران و رم شرقی و مصر و یمن برچیده است." (۴۳) و سید قطب موضع خود را درباره این مسئله چنین بیان می‌کند: "اسلام نیامده است که شهوات مردم را که در پندارها و نظام‌ها و اوضاع و آداب و رسوم جاهلی شان نهفته است، تثبیت

یعنی برقراری نظام اسلامی "جامعه اسلامی، حکومت اسلامی" (۴۸) به عبارتی دیگر بایستی بار دیگر به امت، موجودیت "بخشید تا اسلام بتواند دوباره نقش واقعی خود را در رهبری بشریت بازیابد... تا امت به شهود بازگردد!

در واقع از همان ابتدا، آن دو مجاهد والامقام دریافته بودند که میان آغاز روند بیداری و خیزش تا لحظه به دست گرفتن زمام رهبری، فاصله بسیار است. امام خمینی می‌گوید: "هیچ عاقلی انتظار ندارد که تبلیغات و تعلیمات ما بزودی به تشکیل حکومت اسلامی منتهی شود. برای توفیق یافتن در استقرار حکومت اسلامی به فعالیت‌های گوناگون و مستمر نیاز داریم. این هدف نیاز به زمان دارد." و سید قطب می‌گوید: "من می‌دانم که فاصله میان آغاز رستاخیز تا به دست گرفتن رهبری، طولانی است، اما چاره ای جز رستاخیز اسلامی نیست. هر قدر هم مسافت میان آغاز رستاخیز تا به دست گرفتن رهبری طولانی باشد... چه رستاخیز اسلامی نخستین گام است و نمی‌توان از آن صرف نظر کرد." (۵۰)

در مرحله رستاخیز آیا می‌توان سازش کرد؟ آیا سوت و تقیه در مورد اصول دین جایز است؟ امام خمینی می‌فرماید: "فقه‌های اسلام به خاطر مقام فقهایی که دارند، باید بسیاری از مباحات را ترک کنند و از آن اعتراض نمایند. فقه‌های اسلام باید در موردی که برای دیگران "تقیه" است، تقیه نکنند. تقیه برای حفظ اسلام و مذهب بود که اگر تقیه نمی‌کردند، اصل مذهب را باقی نمی‌گذاشتند. تقیه مربوط به فروع استف مثلاً وضو را این طور یا آن طور بگیر، اما وقتی اصول اسلام، حیثیت اسلامی در خطر

است، جای تقیه و سکوت نیست." (۵۱) و سید قطب می‌گوید: "این جاهلیت چه در گذشته و چه در حال حاضر لجنزار است... این حقیقت باید آن چنان در روح و جان ما ریشه بدواند و شفاف و نیرومند باشد که به هنگام ارائه اسلام به مردم، در گفتن حقیقت دچار لکنت زبان نشویم و مردم را در صحت گفتارمان به شک و تردید نیندازیم... ما با سوء استفاده از اسلام برای خودمان در بین مردم جانی را دست و پا نخواهیم کرد و با شهوات و پندارهای منحرف مدارا نخواهیم کرد... با آنان در نهایت صراحت سخن خواهیم گفت... این جاهلیت که شما در آن غوطه ورید، پاک نیست... این وضعیتی که شما در آن به سر می‌برید پستی است. ذلت و خواری است و خداوند می‌خواهد از باری که بر دوش ما سنگینی می‌کند، بکاهد و بر شما رحمتش را ارزانی داشته خوشبخت سازد... اسلام پندارها و اوضاع و خواست‌های شما را دگرگون خواهد ساخت و شما را به طرف زندگی دیگری سوق خواهد داد، بطوریکه خودتان داوطلبانه از این وضعی که در آن بسر می‌برید، روی گردان شوید.

... اگر شما تاکنون سیمای واقعی زندگی اسلامی را ندیده‌اید، دلپش این است که دشمنان شما - دشمنان قسم خورده این دین - متحد شده‌اند تا نگذارند سیمای واقعی چنین حیاتی، تجلی یابد، ولی ما به یاری خدا این سیما را از خلال قرآمان و شریعتان و تاریخمان و نگرش خلاقمان به آینده روشنی که در دست‌یابی به آن هیچ تردیدی نداریم، دیده‌ایم... باید به هنگام معرفی اسلام این چنین با مردم سخن بگوییم... زیرا واقعیت امر همین است." (۵۲) و: "در اسلام چیزی وجود ندارد که از بابت آن شرم داشته باشیم و یا به خاطر دفاع از آن مجبور باشیم خودمان را در بین مردم جا بزینیم و یا در حین بازگو کردن آن برای مردم، به لکنت بیفتیم." (۵۳)

اما این طلایه داران چگونگی با مؤسسه‌های حکومت جائر برخورد خواهند نمود؟ و مردم را در مورد چگونگی برخورد با این مؤسسه‌ها به انجام چه چیزهایی دعوت خواهند کرد... تا مردم بتوانند از این طریق ایمان خود را استوار ساخته و از شرک خود را بیالایند؟ امام خمینی می‌فرماید: "روابط خود را با مؤسسات دولتی آنها قطع کنیم. ۲- با آنها همکاری نکنیم - ۳- از هر گونه کاری که کمک به آنها محسوب می‌شود پرهیز کنیم. ۴- مؤسسات قضائی، مالی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جدیدی بوجود آوریم." (۵۴) و سید قطب می‌گوید: "اسلام را نمی‌توان در چهارچوب‌های تئوری محض محدود نمود... افرادی که به اسلام می‌گروند و به این آئین ایمان آورده‌اند ولی تنها به عبادات می‌پردازند، حضور آنان در متن ساختار عضوی جامعه و اسپرگرای موجود نمی‌تواند حضور عینی اسلام را از حالت "بالقوه" به حالت "بالفعل" درآورد... چه افرادی که از نظر تئوریک مسلمان قلمداد می‌شوند و در ساختار عضوی جامعه و اسپرگرا ذوب شده‌اند، بطور حتم همواره ناچار خواهند بود به خواسته و تمایلات این جامعه تن دهند.

... بنابراین زیربنای تئوریک اسلام - ایدئولوژی - ناگزیر از همان ابتدا، بایستی در یک تجمع عضوی سازمان یافته، شکل گیرد. این تجمع مجزاً و مستقل، غیر از تجمع عضوی سازمان یافته "واپسگرا" است - هدف اسلام الغای موجودیت تجمع نوع دوم است - محور شکل گیری این تجمع جدید، سنت پیامبر خدا (ص) و پس از آن هر رهبری اسلامی است که هدف آن باز گرداندن مردم به الوهیت و ربوبیت و حاکمیت و شریعت خداوندی می‌باشد. هر کس به: لا اله الا الله، محمد رسول الله گواهی دهد، باید پیروی و تبعیت از تجمع سازمان یافته واپسگرا و رهبری آن را در هر شکل و قیافه ای که باشد قطع نماید. خواه به شکل رهبریت دینی پیشگویان، پرده داران بتخانه‌ها و یا جادوگران و... یا به شکل رهبریت سیاسی و اجتماعی و یا اقتصادی چون رهبریتی که "قریش" دارای آن بود. علاوه بر این، آن فرد بایستی تبعیت خود را منحصراً در تجمع عضوی سازمان یافته اسلامی جدید و رهبریت مسلمان آن، محدود کند. (۵۵) این افراد مؤمن و بافضیلت - برحسب تعبیر امام خمینی - و طلایه داران مؤمن - برحسب تعبیر سید قطب - باید به راه خود ادامه دهند. ما اصل موضوع را طرح کردیم و لازم است نسل حاضر و نسل آینده در اطراف آن بحث و فکر نمایند و راه به دست آوردن آن را پیدا کنند. (۵۶)

بنابراین، ارگان‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی درونی "جامعه واپسگرا" باید به گونه ای متحول شوند که از جامعه مذکور بریده و بنیاد آن را برانندازند.

از طرفی تداوم بخشیدن به ارتباط با توده‌ها و برانگیختن آنان علیه طاغوت و دعوت آنها به راه حق، چه بسا به تحول فراگیر درونی جامعه و روی آوردن آن بسوی اسلام منجر گردد.

به هر حال تجمع اسلامی افراد مؤمن و بافضیلت "هرگاه تشکیل یابد، این حق شرعی را دارا خواهد بود که حکومت‌های ستمگر را با استفاده از تمام وسایل مشروع منهدم کند: "هرجا تجمع اسلامی موجودیت پیدا کند و قوانین الهی امکان تجلی بیابد، خداوند شکوفایی و پیروزی به آن می‌بخشد تا اینکه زمام قدرت را به دست گیرد." (۵۷) و: "شرایط اجتماعی که ناشی از حاکمیت طاغوت و نظام شرک آمیز است لازمه اش همین فساد است که می‌بینید این همان فساد فی الارض است که باید از بین برود و مسبب آن به سزای اعمال خود برسند." (۵۸) و: "تصور اینکه یک مکتبی با اعلام رهاسازی انسان... نوع انسان بر روی زمین

... سراسر زمین، بخواد به وسیله زبان و بیان، با موانع و مشکلات مقابله کند، ساده لوحانه است. این کار - یعنی مقابله به وسیله زبان و بیان - زمانی میسر می شود که شرایط گفتگوی آزادانه با افراد، بدون تحمیل هیچگونه پیش شرط‌هایی، فراهم شده باشد... چون لا اکره فی الدین وجود دارد...، اما وقتی که این موانع مادی عرض اندام کند، لازم است با زور از میان برداشته شود. می توان قلب و عقل انسان رسته از غل و زنجیر را مورد مخاطبه قرار داد. (۵۹)

پس از برقراری حکومت اسلامی و برپائی جامعه اسلامی به رهبری مسلمانان و با اجرای قوانین اسلامی... باید اسلام به پیشروی خود ادامه دهد، زیرا: شاید روزی فرا رسد که دشمنان اسلام در آن ترجیح دهند با اسلام به شرط اینکه دخالتی در اعمال ناشایست آنها و به بردگی کشاندن انسان توسط انسان نکند، مدارا نمایند!... لیکن اسلام اجازه سازش با این دشمنان را نمی دهد! مگر اینکه در برابر قدرتش سر تسلیم فرود آورند. (۶۰) و: "چه بسا برخی از این دشمنان اسلام را بپذیرند. (۶۱) و: ممکن است جامعه واپسگرا به طور کامل به اسلام بپیوندد و ممکن است چنین کاری صورت نپذیرد، همچنین ممکن است جامعه واپسگرا با جامعه جدید اسلامی ترک مخاصمه کند و یا بر ضد آن بجنگد. (۶۲)

اگر وحدت کشورهای اسلامی عملی شود مآلاً بایستی برای رهایی بشریت از خطوط فاسد و انحرافی اقدامی را صورت داد: در حقیقت دفاع از "خطه اسلام"، دفاع از باور جامعه و خط مشی حاکم بر آن است. لیکن هدف غایی این نیست، بلکه پیامد دفاع از آن تشکیل مملکت الله است... خطه اسلام خاستگاهی است برای رهایی تمام سرزمین‌ها و آزادی تمام انسان‌ها، زیرا نوع انسان، موضوع این دین است و زمین میدان فعالیت آن است. (۶۳)

بنابراین، کار بدین منوال صورت می گیرد: طلایه دارانی که نیت خود را خالص برای خدا، نموده‌اند و سرنوشت خویش را طوری با سرنوشت اسلام گره زده‌اند که فقط مرگ می تواند بر می دارند: مسلمان پیش از آنکه جهت جهاد در راه خدا وارد کارزار شود، پیش تر مرحله جهاد اکبر را با نفس خود و با شیطان... با هوی و هوس... با چشمداشت‌ها و تمایلاتش... با منافعتش و منافع خانوادگی و قومیش را از سر گذرانده است و هر انگیزه ای، جز بندگی خدا و تحقق سلطه الهی بر روی زمین و برانداختن سلطه طاغوت غاصب را از میخله اش بیرون ریخته است. (۶۴)

و: لازم است خودمان را از لحاظ روحی و از حیث طرز زندگی کامل تر کنیم. باید بیش از پیش پارسا شویم و از حطام دنیوی رو بگردانیم... شما آقایان - خطاب به روحانیون - باید خود را برای حفظ امانت الهی مجهز کنید. امین شوید. دنیا را در نظر خود کوچک بدانید... نفوس خود را تزکیه کنید، متوجه به حق تعالی شوید. باتقوا و پرهیزکار باشید. (۶۵)

این پیشستانان و طلایه داران - افراد مؤمن و بافضیلت - که به پیش می روند، از نهادها و مؤسسه‌های طاغوت دوری گزیده‌اند و با مردمی که تحت سلطه طاغوت واقع شده‌اند ارتباط برقرار نموده‌اند... به پیش می روند تا مردم را از خواب غفلت بیدار کنند. مفاهیم دین را به مردم معرفی نمایند و فساد طواغیت و جنایت‌هایشان را افشا کنند و در این راه ذره ای از باور و اندیشه خود عدول نمی کنند و ترک مبارزه و سازش با جاهلیت را نمی پذیرند... هرگاه تجمع اسلامی برقرار شد و رشد نمود: هرگاه به اندازه ای نیرومند شد که از پس فشار جامعه واپسگرایی قدیمی برآمد، آن موقع

با نیروی اعتقاد و قدرت خلاقیت و با خودسازی و تشکل و باسازندگی دسته جمعی، می تواند با فشار جامعه واپسگرا رویارویی نموده و بر آن غلبه کند و یا حداقل در مقابل آن پایداری و استقامت



▲ سید قطب

کند. (۶۶). یعنی هرگاه جامعه اسلامی به نقطه موجودیت برجسته و مستقل رسید، بایستی حکومت غضب شده الهی را باز پس گیرد. در فاصله موجود میان نقطه آغاز تا رسیدن به نقطه موجودیت والا و ارزشی، درگیری میان دو جامعه، ابعاد گسترده تری به خود می گیرد و بر مدار و آهنگ این حرکت و درگیردار نبرد، موقعیت هر فرد در جامعه اسلامی و تکلیف وی، روشن می شود.

پس از اینکه نهضت اسلامی حرکت خود را آغاز کرد و شروع به جذب افراد هوادار و طرفدار نمود و طلایه داران - افراد مؤمن و بافضیلت - تشکل پیدا کرده و در روند رستاخیز اسلامی گام نهاده و با بهره گیری از ابزارهای شرعی مبتنی بر این مقوله شرعی - هر چیزی که، تکلیف تنها با انجام آن تحقق می یابد یک تکلیف است - حکومت اسلامی در یک خطه جغرافیایی پا به عرصه وجود نهاد... در آن زمان، اسلام مآلاً برای برکناری طواغیت از اریکه قدرت و متحد کردن امت حرکت نموده سپس شتابان به سوی رهاسازی همه انسان‌ها به پیش خواهد رفت زیرا اسلام یک اعلام عمومی است: رهاسازی انسان در هر جایی که باشد. پرواضح است این خط مشی از بکارگیری روش کودتای نظامی و یا روش‌هایی از این قبیل پرهیز دارد... مبارزه به وسیله استدلال و بیان و برانگیختن، آغاز می گردد تا رسالت اسلام شناخته شود و آوازه دعوت کنندگان به اسلام، به عنوان الگو و آسوه اخلاق و شجاعت در افق بپیچد.

... این فقه نهضت است آنگونه که امام خمینی و سید قطب بیان کرده‌اند. امام خمینی علاوه بر طرح مسئله پیشسازی در جهاد و لزوم برکناری حکومتی که حدود و مقررات الهی را جاری نمی کند و ضرورت بازگرداندن حاکمیت به الله گام دیگری را نیز برمی دارد که اهمیت آن از موارد یاد شده دیگر کمتر نیست. این گام مهم در مورد ماهیت خط مشیی که برای رسیدن به حکومت اسلامی، تبعیت از آن از واجبات است. این گفته صحیح است که سید قطب از خطه ای برخاست که به سنی بودن معروف است و امام خمینی از خطه ای برخاست که به شیعی بودن مشهور است، اما گفتنی است که هر دو بزرگوار، با بینشی ژرف از این محدودیت‌های پیش آمده، به سوی صدر اسلام، روی آوردند و در دامن پیامبر(ص) و با حضور یاران گرمی ایشان، و اهل بیت مطهرشان در کمال ادب نشستند... و در زیر دست ایشان آموزش یافتند و به قرآن کریم گوش فرا دادند. گویی بر قلبشان نازل می شود. پس برای انجام فرامین الهی سر از پا نشناختند. اجتهاد این دو

بزرگوار بر حرکت به سوی الله مبتنی بود... اجتهاد این دو بزرگوار هر دو "حسینین" - شهادت و پیروزی - را تحقق بخشید، سید قطب به شهادت رسید و امام خمینی به پیروزی رسید.

همسویی روحی و همفکری عجیبی میان این دو بزرگوار موجود است که اگر بخواهیم به یک یک آنها بپردازیم، سخن به درازا خواهد کشید. در اینجا به ذکر نمونه ای از موضع آنها در قبال حکومت طاغوتی در ایران و مصر بسنده می کنیم. هنگامی که شایع کرده بودند که امام خمینی با طاغوت دست داده است، امام ضمن محکوم کردن این شایعه بی اساس، فرمود: چگونه دستم را به سوی فردی دراز کنم که دستش، هفت دریا را نجس می کند؟

همین صحنه به هنگامی که از شهید سید قطب خواسته بودند که تقاضای تخفیف حکم اعدام خود را امضاء کند، تکرار گردید. او با محکوم کردن این عمل گفت: انگشت سبابه ای که در پنج موقع به وحدانیت الله گواهی می دهد، از اقرار یک کلمه در برابر گردنکشان، امتناع میورزند.

آری، امام قطب به شهادت نائل آمد و امام خمینی به پیش رفت و تکلیف را انجام داد. لذا بدیهی است که شاگردان سید قطب با انقلاب اسلامی بجوشند و به رهبر آن، همان عشق و علاقه ای را که به معلم شهید خود ابراز می داشتند، ابراز کنند، و در این بین دو مسئله حائز اهمیت است:

۱- این روزها محور نهضت جهادگرانه در کشورهای عربی، در نبرد و رویارویی با رژیم جاهلیت گراست. این حرکت در مصر و فلسطین و بسیاری از کشورهای عرب منبعث از اندیشه‌های معلم شهید سید قطب است.

۲- مقام دستداران معلم شهید والاتر از آن است که پیروان راستینش گرد مسائل طایفه ای و سخنان تفرقه برانگیز، بگردند. اینان بیش از سایرین با امام خمینی به عنوان یک عالم مجاهد نوپرداز و رهبر بی مثال، اتفاق نظر دارند.

آری، هنگامی که عقب ماندگی و واپسگرایی، حاکم شد، همگان در زیر گستره آن کمر خم کردند... و وقتی که نوید بیداری اسلامی از راه رسید، همگان از خواب غفلت برخاستند.

آری اینک نسلی اسلامی در حال آفریده شدن است که فرهنگ قرن‌های تشریح را به یک سو نهاده‌اند و از روابط و علائق طایفه ای تنگ نظران، اعراض نموده، بر وابستگی خود بر صدر اسلام، همگام با نسل یکتای قرآنی، تأکید میورزد. این وضعیت امروزی نسل رو به رشد انقلاب اسلامی است. که هم اکنون از فعال ترین جریانات حاضر در صحنه به شمار می آید... این یک فرصت تاریخی برای امت ما است، تا خود را هر چه زودتر از ستم رژیم‌ها و بندگی بندگان برهانند... طلایه داران امت نیز باید خود را از روابط بی مینا و فرهنگ‌های تفرقه انگیز، در هر رنگ و جلوه ای که باشد، منز و پاک سازند.

والذین تبوءوا الدار والايمان من قبلهم يحبون من هاجر اليهم ولا يجدون في صدورهم حاجة مما اوتوا و يؤقرون على انفسهم ولو كان بهم خصاصة و من يوق شح نفسه فاولئك هم المفلحون. والذین جاؤا من بعد هم یقولون ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذین سبقونا بالايمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤف رحیم: - آنهایکه مدینه را خانه ایمان قرار دادند، کسانی را که به سوی آن‌ها آمدند دوست می دارند و در سینه خود هیچ چیزی بر ضد آن‌ها نمی یابند و اگر به چیزی نیازمند باشند، باز آنان را در آن چیز بر خود مقدم می دارند و هر کس که خود را از بخل و حرص دور بدارد، آنان در حقیقت رستگارانند. آنان که بعد آمدند، می گویند خدایا ما و آنانی را که پیش از ما ایمان

آورده‌اند، مغفرت خود را بفرست و در دل‌های ما هیچگونه کینه ای نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند، قرار نده که تو مهربان و بخشاینده‌ای.

منابع:

- ۲۲) معالم فی الطریق ص ۱۰۱
- ۲۳) حکومت اسلامی ص ۴۰
- ۲۴) معالم فی الطریق ص ۴۴
- ۲۵) همان منبع ص ۳۹
- ۲۶) همان منبع ص ۵۱
- ۲۷) حکومت اسلامی ص ۲۴
- ۲۸) همان منبع ص ۱۹۶-۱۹۵
- ۲۹) همان منبع ص ۱۹۶
- ۳۰) همان منبع ص ۲۰۲-۲۰۱
- ۳۱) همان منبع ص ۱۹۹-۱۹۸-۱۹۷
- ۳۲) فصل "سر منشأ جامعه اسلامی" از کتاب معالم فی الطریق، و حکومت اسلامی ص ۱۶ به بعد.
- ۳۳) معالم فی الطریق ص ۱۶۴-۲۲-۲۱
- ۳۴) حکومت اسلامی ص ۲۶ به بعد
- ۳۵) از قصیده ای به نام (هبل... هبل) سروده شهید قطب، هبل اشاره دارد به بزرگترین بت قریش.
- ۳۶) حکومت اسلامی ص ۴۰
- ۳۷) همان منبع ص ۲۰
- ۳۸) معالم فی الطریق ص ۵
- ۳۹) همان منبع ص ۶
- ۴۰) همان منبع ص ۱۲۵
- ۴۱) حکومت اسلامی ص ۲۰
- ۴۲) معالم فی الطریق ص ۶
- ۴۳) حکومت اسلامی ص ۱۳-۱۲ (باختصار)
- ۴۴) معالم فی الطریق ص ۱۶۶
- ۴۵) همان منبع ص ۱۱
- ۴۶) حکومت اسلامی ص ۵۲
- ۴۷) همان منبع ص ۵۴
- ۴۸) معالم فی الطریق ص ۸ و حکومت اسلامی ص ۴۵
- ۴۹) معالم فی الطریق ص ۸
- ۵۰) همان منبع ص ۱۱
- ۵۱) حکومت اسلامی ص ۱۷۴
- ۵۲) همان منبع ص ۴۰
- ۵۳) معالم فی الطریق ص ۱۱
- ۵۴) حکومت اسلامی ص ۱۸۳
- ۵۵) معالم فی الطریق ص ۹-۸
- ۵۶) حکومت اسلامی ص ۲۰۰
- ۵۷) همان منبع ص ۱۸۲
- ۵۸) معالم فی الطریق ص ۱۶۸
- ۵۹) همان منبع ص ۱۷۴
- ۶۰) همان منبع ص ۱۲
- ۶۱) حکومت اسلامی ص ۱۸۵
- ۶۲) همان منبع ص ۲۰۴
- ۶۳) معالم فی الطریق، گزیده‌هایی از ص ۵۵الی ص ۵۷
- ۶۴) حکومت اسلامی ص ۱۷۳
- ۶۵) معالم فی الطریق ص ۱۳۰
- ۶۶) همان منبع ص ۱۷۷
- ۶۷) حکومت اسلامی ص ۱۷۴
- ۶۸) معالم فی الطریق ص ۹۱
- ۶۹) حکومت اسلامی ص ۴۰
- ۷۰) معالم فی الطریق ص ۷۴
- ۷۱) همان منبع ص ۸۷
- ۷۲) حکومت اسلامی ص ۱۹۲
- ۷۳) معالم فی الطریق ص ۹۷
- ۷۴) همان منبع ص ۸۵
- ۷۵) همان منبع ص ۸۶
- ۷۶) همان منبع ص ۸۷
- ۷۷) حکومت اسلامی ص ۴۴-۴۵
- ۷۸) مجله الشهید: چاپ تهران، مقاله: ال‌امام الخمینی، شماره ۱۸۹، ص ۴۵
- ۷۹) معالم فی الطریق ص ۸۴
- ۸۰) حکومت اسلامی ص ۲۰۴-۲۰۳
- ۸۱) معالم فی الطریق ص ۹۸

جامعه نقاد جامعه متعالی است



که ایراد می کردند در مقایسه با تقریری که خود ایشان یا افراد دیگر داشتند به نظر می رسد تفاوت عمیقی مطرح است. ولی آنچه بسیار جالب بود این است که به هیچ وجه نگاه تحقیرآمیزی به دانش فلسفه اسلامی نداشتند بلکه به عظمت فیلسوفان اسلامی بیشتر اذعان می کردند. هم در مباحث فلسفه مانند ابن سینا و فارابی و هم در مباحثی که از اصولیین مطرح شده بود احترام خاصی قایل می شدند.

تصور می کنید بازخوانی اندیشه های حائری و عرضه مدل فکری حائری در عصر حاضر چه ثمری دارد؟

من معتقدم که پیام حائری این بود که جامعه ما جامعه بی نقاد باید باشد. جامعه مطیع به تمام معنا ارزشی ندارد. این جامعه به سوی رشد و تعالی نمی رود. جامعه ای که مدیرانش مردم را نقاد به بار آورند جامعه متعالی است. امیرالمومنین در نهج البلاغه می فرمایند که اگر جامعه به گونه بی باشد که کسی بخواهد سخنی بگوید و زبانش بگیرد و در سخن گفتن آزاد نباشد این جامعه رستگار نمی شود.

فکر می کنید مرحوم حائری با دیگر مکاتب مانند عرفان چه روحیه ای داشت؟

حائری زندگی شخصی اش زندگی سلوک بود. تز دکترای او علم حضوری بود. یعنی اینکه علم حضوری برای حائری همان چیزی است که در سنت فلسفه اسلامی به آن شهود گفته می شود و حتی مورد توجه فلسفه ملاحظه ملاحظه نیز هست. ایشان در این تز واقعا علم حضوری را مورد نقادی قرار داده است. معتقد بود عرفان عملی مبتنی بر عرفان نظری است. دکتر نصر که اینک یکی از مهم ترین نمایندگان سنت فلسفه اسلامی در غرب است درباره این کتاب می گوید که این کتاب جزو نخستین آثار متعلق به زبان انگلیسی و به قلم کسی است که علوم و معارف فلسفی را به شیوه های سنتی و کلاسیک آموخته. این کتاب نماینده ای است شایسته و عظیم القدر برای سنت فلسفه اسلامی به زبان فلسفه معاصر. جا دارد خاطره ای بگویم. مرحوم حائری یزدی می گویند وقتی که رساله دکترای او را می نوشتند به صفحه ای از آثار ابن عربی برخوردند که نمی فهمند ابن عربی چه گفته است و آن صفحه را کپی کرده و برای استادش امام خمینی (ره) در نجف فرستاد و در آن نامه نوشت که خدا می داند اگر زیر این آسمان احساس می کردم که کسی غیر از شما ممکن است این را بفهمد برای او می فرستادم و شما برای من توضیح دهید که محی الدین چه می گوید. امام در نامه نوشتند و من آن نامه را دیدم که ذکر تنی بالعرفان جعل الله من العارفین. تو مرا دوباره به یاد عرفان انداختی و خداوند تو را از عارفین قرار دهد. مرحوم حائری با عرفان محسوس بودند اما به عرفان عملی توأم با نظری و دقیق و عمقی باور داشت. او معتقد بود کسانی که دم از عرفان می زنند و عمق علمی عرفان را نمی دانند سخن شان به جایی نمی رسد.

برای همین بود که نقدهایی هم به هائری کربن وارد کردند؟

ایشان معتقد بودند اینها عمق نظری عرفان اسلامی را نفهمیدند و ضربات شدیدی به اسلام و تفکرات دقیق اسلامی زدند. اینها می گفتند اصلا فلسفه اسلامی، فیلسوفی است و نه فیلاسوفی، فیلسوفی چیزی است از سنخ دانستی های غیر علمی و نادقیق.

منوچهر دین پرست
منبع: روزنامه اعتماد

نازک ترین مرتبه هستی محسوب می شود، شناخت کل هرم هستی است. در این بیان هندسی، همه جهان هستی در هویت و تحقق از نوع یگانگی و وحدت شخصی و حقیقی در عین برخورداری از اختلاف مراتب و گوناگونی های چستی بهره می برد. در فلسفه اسلامی بیان "و ما امرنا الا واحده" ناظر به همین مفهوم است و با توجه به تقسیمات و تعریفات

مقدماتی که در کتاب هرم هستی مطرح شده این تئوری هندسی طرح و بررسی شده است.

نگرش مرحوم حائری به فلسفه اسلامی و فلسفه غربی چگونه بود. ایشان آیا این دو را در تضاد یکدیگر می دید؟

حائری باور داشت که فلسفه غربی و فلسفه اسلامی آنطور که شایع است دو قطب متضاد نیستند بلکه آنها در حقیقت مسائل و نه در متدهای تعلیمی، تفاوت آشکار و سازش ناپذیری ندارند و برعکس این شهرت امکانات بسیاری موجود است که یک سازش و تفاهم عمیقی میان این دو گروه تفکر انسانی برقرار شود و ریشه ناسازگاری های شرق و غرب از میان برداشته شود. شاید گفته شود اینکه تفاوت آشکاری میان این دو گروه تفکر عقلانی در میان نیست در نظر بسیاری قابل قبول نباشد اما با طرح بحث های تطبیقی و گفت و شنودهای طرفینی معلوم می شود که راه خردمندان از هم جدا نیست.

مرحوم حائری یزدی نخستین فقیهی بودند که به دیار غرب رفتند و آشنایی کاملی به فلسفه غرب یافتند و گرایش خاصی هم به فلسفه تحلیلی داشتند، تصور می کنید آموخته های ایشان چقدر توانست نگاه ایشان به فلسفه سنتی و کلاسیک ما را تغییر دهد و اثرگذار باشد؟

در ابتدا باید تاکید کرد که حق ایشان باید حفظ شود. آقای حائری فلسفه تحلیلی را عمیق خوانده بود. افرادی که اکنون ادعای تبحر در فلسفه غرب می کنند بسیاری از آنها تاریخ فلسفه غرب را خوانده اند و اگر رساله و سوابق آنها را نگاه کنید می بینید که یکسری تاریخ فلسفه غرب است. بعد از مرگ حائری من احساس فقدان عجیبی می کنم. وقتی که به او مراجعه می کردیم این قبیل مسائل را تحلیل و روشن می کرد چرا که دستش پر بود. واقعا بعد از مرگ ایشان من احساس خلأ در کشور می کنم. مرحوم حائری در ابتدا که به غرب رفته بود متوجه شد سبک تبلیغی که در عصر حاضر استفاده می شود به هیچ عنوان کاربرد خود را ندارد و با به کار بردن شیوه هایی مانند سخنرانی و موعظه دیگر نمی توان کسی را مجذوب اسلام کرد. ایشان می گویند که من احساس کردم باید از مراکز دانشگاهی وارد شد و از موعظه علم اسلامی وارد شویم و اسلام و تمدن اسلامی را به عنوان یک گستره بسیار مهم معرفی کنیم. لذا برای این کار ما باید در ابتدا دانش غرب را خوب فرابگیریم و ایشان نیز از ابتدا شروع کردند در دانشگاه جورج تاون و میشیگان و سپس در کانادا فلسفه غرب را فراگرفتند. این زمانی بود که ایشان فلسفه اسلامی را در حد بسیار بالایی آموخته بود. بنده از حدود سال ۱۳۶۲ که ایشان به تهران آمدند و مستقر شدند در مباحثاتی که با مرحوم حائری داشتم احساس می کردم که یک بازخوانی نوینی در بیان فلسفه اسلامی در ایشان پدید آمده است. ایشان قبل از اینکه در مباحث غربی وارد شوند به اینگونه فلسفه اسلامی را مطرح نمی کردند. مثلا بین برداشتی که ایشان در بحث وجود ذهنی داشت و استدلال هایی

گذراندند و رساله علم حضوری که تحلیل بدیعی از نظریه معرفت در فلسفه اسلامی، به صورت و فرم منطقی جدید، محسوب می شود را از پایه کردند. از آثار دکتر مهدی حائری می توان به علم کلی (فلسفه مابعدالطبیعه)، کاوش های عقل نظری (مبادی فلسفه تطبیقی)، هرم هستی (رساله هستی شناسی و زیرساخت اندیشه فلسفه ایشان)، آگاهی و گواهی (ترجمه و شرح انتقادی تصور و تصدیق صدرالمتالهین)، کاوش های عقل عملی (فلسفه اخلاق)، تقریرات اصول آیت الله العظمی بروجردی، حکمت و حکومت (در فلسفه سیاسی) و متافیزیک (مجموعه مقالات) اشاره کرد. البته من با همکاری انجمن حکمت و فلسفه ایران اخیرا برخی از آثار ایشان را منتشر کردم و در نظر دارم برخی از دست نوشته ها و آثاری که از ایشان به جای مانده را منتشر کنم.

گرایش فلسفی دکتر حائری یزدی چگونه بود و ایشان به کدامیک از مکاتب فلسفی علاقه مند بودند؟

مرحوم دکتر حائری یزدی به فلسفه اسلامی و ژرفای آن سخت باور داشتند. در این زمینه آثاری به رشته تحریر در آوردند و حتی صاحب نظریاتی هم بودند. ایشان در مقدمه کتاب علم کلی درباره فایده فلسفه می نویسند که انسان چه نیاز ذاتی و طبیعی به فلسفه دارد تا در راه به دست آوردن آن بذل جهد و صرف وقت کند. ایشان در پاسخ به این پرسش و سوالات دیگر، می گویند تا همچون بعضی متفلسفین معاصر سخنان دراز که احتمال گراف گویی دربر داشته به میان نیاورد. بلکه در سخنی موجز می گویند که اگر براستی فلسفه از حقیقت در هر مرتبه و به هر صورتی که هست بحث می کند و ماهیت آن درک حقیقت است پس دیگر راهی برای انکار آن متصور نیست. زیرا انکار فلسفه محصولی از انکار درک و حقیقت خواهد بود در حالی که نه حقیقت قابل انکار است و نه درک، و نه تعقل را که هسته مرکزی بشریت و فصل ممیز او از سایر حیوانات است می توان تعطیل کرد. به هر حال نگاه حائری به فلسفه نگاهی عمیق و بدیع است. درباره هستی شناسی پرسیدید بهتر است بگویم که استاد حائری بحث هستی شناسی را دانش برترین برترین دانش های انسانی به معنای فراگیرترین دانش ها به لحاظ خصوصیت مفهوم وجود می دانست. ایشان بخش بندی ویژه ای در مساله هستی شناسی قایل بودند که عبارت بود از اطلاق قسمی و اطلاق مسمی. در این زمینه وجود مطلق و مطلق وجود را متمایز از یکدیگر می دانستند و معتقد بودند که بر مبنای این شناسایی حل بسیاری از مشکلات فلسفه شرق و غرب آسان شده و راه اندیشه هستی را برای استنباط و درک واقعیت یکتایی هستی هموار ساخته اند. استاد معتقد بودند که مراتب متفاوت هستی در هرم هستی شناسانه توحیدی ایشان در عین اختلاف و کثرت و گوناگونی ها و میناگری های ظهور و تجلیات از یک سو و اختلاف در شدت و ضعف و پیشی و پستی از سوی دیگر همه از یک وحدت ناگسستگی و این همانی عینی و تحقیقی سرچشمه می گیرد. تئوری هرم هستی و هستی شناسی توحیدی زیربنای تمام تئوری های دیگر استاد در مباحث جهان شناسی و جامعه شناسی و حقوق بشر و انسان شناسی و سیاست مدن و مباحث نفس است و لذا اهمیت بنیادی در میان آثار استاد دارد. جا دارد قدری در این باره توضیح دهم. در نظر استاد حائری ساخت هندسی و منطقی مفهوم را بیان می کند. در این سیستم، شناخت هر یک از پدیده ها حتی یک پدیده ناپایدار و تجربی هم در قاعده هرم هستی که

آیت الله سیدمصطفی محقق داماد که هم اینک در آستانه شصت و اندی سالگی است از افراد و عالمانی است که به واسطه حضور در میان خانواده بزرگ روحانیت از جایگاه ویژه ای برخوردار است. او ارتباط نسبی با برخی از روحانیون دارد و حضور آنها را به خوبی درک کرده است. همینطور تحصیلات خود را در حوزه تا مقطع اجتهاد به پایان رسانده و تحصیلاتی هم در بخش حقوق بین الملل دانشگاه فرانسوی زبان لوون بلژیک داشت و دکترای خود را با عنوان "حمایت از افراد در دوران جنگ مسلحانه در حقوق بین الملل و حقوق اسلام" در سال ۹۵ از این دانشگاه دریافت کرد. گفت و گویی با ایشان درباره مرحوم آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی که دایه ایشان محسوب می شود انجام داده ایم. استاد محقق داماد مرحوم حائری را به خوبی درک کرده و از محضر ایشان بسی دانش ها آموخته است، با آرا و نظراتش آشنایی دارد و هم اینک آثار مرحوم حائری را که مدت های مدیدی از چاپ آنها گذشته بود دوباره منتشر کرده و در نظر دارد برخی از دست نوشته ها و مطالبی که از ایشان به جای مانده را مجددا منتشر کند. مرحوم آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی، منطقدان، اصولی، فقیه و فیلسوف برجسته معاصر از نخستین روحانیونی است که در دانشگاه ها و موسسات علمی خارج از کشور تدریس داشته است. ایشان فرزند آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی موسس فقید حوزه علمیه قم است، سالگرد درگذشت ایشان بهانه ای است تا مروری کوتاه بر اندیشه های فلسفی ایشان داشته باشیم.

جناب استاد محقق داماد در ابتدا درباره مرحوم مهدی حائری یزدی، زندگی و برخی از آثار ایشان و اینکه چه ارتباط نسبی با ایشان دارید صحبتی داشته باشید تا به موارد دیگر بپردازیم.

آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی، منطقدان، اصولی، فقیه و فیلسوف برجسته معاصر و می توان گفت از نخستین روحانیونی است که در دانشگاه ها و موسسات علمی خارج از کشور تدریس داشته است. ایشان فرزند آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری یزدی موسس فقید حوزه علمیه قم است. آقا شیخ عبدالکریم حائری یزدی، موسس حوزه علمیه قم، برای زیارت از اراک به قم رفت. ایشان از زمانی که مرجع شناخته شدند دو سفر به اراک از عتبات عالیات داشتند که در سفر دوم برای زیارت حضرت معصومه (س) به قم آمدند. علمای قم در آن زمان از ایشان درخواست می کنند که در قم بمانند و حوزه ای در قم تشکیل دهند. حوزه در سال ۱۳۰۱ تاسیس می شود. آقای مهدی حائری هم درست یکسال بعد از تاسیس حوزه علمیه قم متولد می شوند. چون مرحوم پدرشان در اراک بایک خانم اراکی ازدواج کرده بودند و وقتی که به قم آمدند آقای حائری به دنیا آمدند و ایشان دختری هم داشتند که مادر من از ایشان است. بنابراین آقای مهدی حائری دایه بنده می شود البته آقا مهدی آخرین فرزند آقا شیخ عبدالکریم است. ایشان حدود ۱۵ سال در قم تحصیل می کنند. عرفان و علوم نقلی و عقلی را نزد استادانی چون آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری، امام خمینی (ره)، میرزا مهدی آشتیانی، آیت الله العظمی بروجردی، آیت الله حجت کوه کمره ای، آیت الله محمدتقی خوانساری و... آموختند. ایشان پس از دریافت درجه اجتهاد از سوی آیت الله بروجردی به عنوان نماینده ایشان به امریکا رفتند و در آنجا به تحصیل در رشته فلسفه غرب پرداختند. ایشان دوره لیسانس را در "جورج تاون"، فوق لیسانس را در "هاروارد" و دوره دکتری را در دو دانشگاه "میشیگان" و "تورنتو"

صدوقی امام جمعه صدوق یزد



▲ اقامه نماز بر پیکر حجت الاسلام والمسلمین صدوقی توسط حضرت آیت الله سید علی محقق داماد

ایشان از خادمان به نظام مقدس جمهوری اسلامی و مردم بودند که در سالروز شهادت پدر بزرگوارشان دارفانی را وداع گفتند.

اینجانب ضمن عرض تسلیت این ضایعه به پیشگاه حضرت بقیه الله الاعظم، مقام معظم رهبری، خاندان و بیت مکرم صدوقی و مردم متدین و مومن استان یزد برای آن مرحوم رحمت و مغفرت در جوار شهدا و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌کنم.

پیام تسلیت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم
(انالله و انالیه راجعون)

خبر درگذشت حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی (ره) نماینده محترم ولی فقیه و امام جمعه یزد موجب تأسف و تأثر گردید.

فرزند حضرت آیت الله صدوقی (ره) سومین شهید محراب که قبل از انقلاب همراه با والد گرامیشان در مبارزات علیه رژیم و بعد از انقلاب در سنگرهای گوناگون بخصوص در سنگر خطیر امامت جمعه حضوری فعال داشتند و مردم را به تقوا و دین‌داری دعوت می‌نمودند، همزمان با سالگرد شهادت پدر بزرگوارشان ندای حق را لبیک گفته و به دیار باقی شتافتند.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درگذشت آن فقیه سعید را به محضر مقام معظم رهبری مدظله العالی، بیت شریف شهید صدوقی، حوزه و عالمان و مردم شهیدپرور استان تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال علو درجات را برای آن مرحوم و صبر و اجرا برای بازماندگان مسئلت می‌نماید.

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته
محمد یزدی

رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

پیام تسلیت مدیر حوزه‌های علمیه

مدیر حوزه‌های علمیه نیز با صدور پیامی ارتحال حجت الاسلام والمسلمین محمد علی صدوقی نماینده ولی فقیه در استان یزد را تسلیت گفت.

در این پیام آمده است: مصیبت درگذشت شخصیتی که عمر خویش را در دفاع از حاکمیت همه جانبه ولایت و نظام جمهوری اسلامی و خدمات حوزوی و فرهنگی سپری نمود و در ادامه راه والد شهید، پناهگاهی برای مردم شریف و متدین آن منطقه به شمار می‌رفت، موجب تأثر و تألم گردید.

در این پیام افزوده شده است: اینجانب این مصیبت جانکاه را به ساحت مقدس حضرت ولی عصر(عج) مقام معظم رهبری، روحانیت معظم، مردم عزیز و متدین و عالم پرور استان یزد و خانواده محترم ایشان تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه و غفران الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نمایم.

همچنین علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، احزاب مؤتلفه اسلامی، مردم سالاری، جامعه اسلامی مهندسان با انتشار پیامهای جداگانه‌ای درگذشت حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی امام جمعه یزد را تسلیت گفتند.

اسلامی - به نمایندگی مردم یزد انتخاب شد. سپس به سمت نماینده امام(ره) در شورای عالی قضایی به فعالیت پرداخت.

وی در سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، به نمایندگی مردم تهران برگزیده شد و پس از آن به معاونت شورای عالی قضایی، منصوب شد.

وی همچنین مدتی به عنوان معاون دادستان کل کشور به فعالیت پرداخت.

صدوقی پس از درگذشت آیت الله روح الله خاتمی در ۱۳ آبان ۱۳۶۷ از سوی امام خمینی(ره) به نمایندگی ولی فقیه در استان و امامت جمعه یزد منصوب شد.

وی ریاست بنیاد بزرگ دینی فرهنگی صدوق را پس از شهادت پدرش برعهده گرفت. سرپرستی حوزه علمیه یزد، رسیدگی به معیشت طلاب، کمک به خانواده‌های بی‌بضاعت، خانه سازی برای نیازمندان و بازسازی و مرمت حوزه علمیه یزد از فعالیت‌های اوست.

حجت الاسلام والمسلمین صدوقی سفرهایی را جهت انجام فعالیت‌های سیاسی به کشورهای بنگلادش، مالزی، کوبا، زیمبابوه، مکزیک، کوبا، یمن و کویت داشت.

وی روز شنبه مورخ ۹۰/۴/۱۱ شمسی پس از یک عمر مجاهدت و خدمات شایسته در سن ۶۲ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت. روانش شاد و یادش گرامی باد.

پیامهای تسلیت مراجع، علما و شخصیت‌ها
در پی ارتحال حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد از سوی مراجع، علما، حوزه‌های علمیه و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی پیامهای تسلیتی صادر شد. متن پیامها به این شرح است:

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت مرحوم حجت الاسلام صدوقی
حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت حجت الاسلام حاج شیخ محمدعلی صدوقی امام جمعه یزد را تسلیت گفتند.

به گزارش خبرگزاری پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
با تأسف و تأثر اطلاع یافتیم که جناب حجه الاسلام آقای حاج شیخ محمدعلی صدوقی امام جمعه یزد و نماینده اینجانب در آن استان دارفانی را وداع گفته و یاران و کسان خود را داغدار ساخته است. رحمت و رضوان الهی بر او باد.

ایشان در منصب امامت جمعه فعالیت‌های فراوان و شایان تقدیر داشته و خدمات ارزشمندی به مردم مؤمن و انقلابی آن استان تقدیم نموده است و انشاءالله مایه جلب رحمت پروردگار به روان ایشان خواهد بود.

اینجانب این مصیبت را به خانواده و بازماندگان آن مرحوم و نیز به جامعه روحانیت یزد و عموم مردم با ایمان و وفادار آن سامان تسلیت عرض می‌کنم و برای خاندان گرامی صدوقی و دیگر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌کنم و به روح شهید آیت الله صدوقی که این روزها مصادف با سالگرد شهادت ایشان است درود می‌فرستم.

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد بدنبال ابتلا به بیماری قند و حاد شدن این بیماری، علی‌رغم تلاش پزشکان معالج، در سن ۶۲ سالگی در یکی از بیمارستان لا له تهران دارفانی را وداع گفت.

مراسم تشییع پیکر حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی فرزند سومین شهید محراب از مسجد ملاسماعیل، میعادگاه نماز جمعه به سمت مسجد روضه محمدیه(حظیره) پایگاه انقلاب یزد برگزار شد.

پیکر امام جمعه یزد بعد از مراسم تشییع، در مسجد حظیره کنار آرامگاه سومین شهید محراب آیت الله صدوقی به خاک سپرده شد.

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی صدوقی تنها فرزند ذکور سومین شهید محراب آیت الله صدوقی بود که طی ۲۳ سال اخیر بعد از رحلت آیت الله خاتمی در سنگر امامت جمعه و نماینده ولی فقیه به دور از هر گونه خط و خطوط سیاسی به پیروی از رهبرانقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای در حفظ وحدت و یکپارچگی مردم استان یزد کوشید و همواره بیت او همچون پدر بزرگوارش نیز ملجاء و پناه مردم استان یزد بود. امام جمعه یزد در سالروز شهادت پدر و درگذشت مادر بزرگوارش به دیدار معبود شتافت.

زندگی نامه حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی

حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی صدوقی(رض)، فرزند محمد، نواده آیت الله میرزا ابوطالب کرمانشاهی، متولد عباس آباد قم نماینده ولی فقیه و امام جمعه یزد، سلسله نسبش به شیخ صدوق(ره) می‌رسد. پدرش آیت الله شهید محمد صدوقی(ره) از عالمان دینی برجسته قم و یزد بود. به گزارش شورای سیاستگذاری ائمه جمعه، وی در کودکی به همراه پدر به یزد آمد و دوره ابتدایی را در دبستان ادب گذراند. سپس به توصیه پدر به تحصیل علوم دینی پرداخت و بخشی از مقدمات را در مدرسه عبدالرحیم خان نزد استادانی چون حجت الاسلام والمسلمین شیخ غلامحسین ابوبی نجف آبادی آموخت. آنگاه رهسپار حوزه علمیه قم شد و مقدمات را در مدرسه حقانی به پایان رساند.

صدوقی دروس سطح را در محضر حضرات آیات شب زنده دار، علوی گرگانی، محسن دوزدوزانی، صدیقین، سیدکاظم اخوان مرعشی، محمد فاضل لنکرانی، جعفر سبحانی و ابطحی کاشانی فرا گرفت و پس از آن در حوزه درس خارج فقه و اصول حضرات آیات حسین وحید خراسانی، سید محمدباقر سلطانی، طباطبایی و... شرکت کرد.

وی با آغاز نهضت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی(ره) در کنار پدر به فعالیت‌های سیاسی پرداخت و برای یاری دادن به شهید صدوقی و رسیدگی به امور دینی و جهت آگاه سازی مردم به شهرهای مختلف کشور سفر کرد.

همچنین در زمان اقامت امام خمینی(ره) در پاریس به فرانسه رفت و مدت سه ماه به فعالیت پرداخت و در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ به همراه حضرت امام(ره) به ایران بازگشت.

حجت الاسلام والمسلمین صدوقی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی مسوولیت کمیته انقلاب اسلامی را به عهده داشت و عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. پس از واقعه هفتم تیر و شهادت سیدرضا پاکنژاد - نخستین نماینده مردم یزد در مجلس شورای

انتقاد حضرت آیت الله مکارم شیرازی

از رئیس جمهور به خاطر

«ممنوعیت طرح تفکیک جنسیتی»



حضرت آیت الله مکارم شیرازی از نامه اخیر رئیس جمهوری به وزرای علوم و بهداشت ابراز تأثر کرده و ضمن انتقاد از متوقف کردن اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاهها اظهار داشت: ما باید تفکیک جنسیتی را هم برای دین خود و هم برای پیشرفت علمی بیشتر جوانانمان عملی کنیم.

به گزارش خبرگزاری فارس، حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی در جمع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی گفت: یکی از روایات فراوانی که از امام سجاد(ع) رسیده روایتی است از ابوحمزه ثمالی که در جلد ۷۵ بحار الانوار صفحه ۱۴۷ نقل شده و امام در یک برنامه چهار ماده‌ای می‌فرمایند: اگر فرزند آدم اگر چهار عمل را انجام دهد همیشه در خیر می‌ماند؛ داشتن واعظ درونی و وجدان بیدار، حساب رسی از اعمال خود و اینکه ترس از شیطان و هوای نفس را لباس زیرین خود کنی و اینکه پشیمانی بر گناهان و خطایای خود را و جبران آن‌ها را لباس روین خویش قرار دهی.

ایشان افزود: در تبیین این حدیث مقدمه‌ای را لازم می‌دانم و آن اینکه خداوند انسان را برای رسیدن به فلاح و سعادت آفرید و برای اینکه انسان به این مقام برسد در عالم هستی برای انسان پنج واعظ در کنار پیامبران و بندگان صالح خود و موعظه‌گر قرار داده است؛ در وهله نخست، تاریخ است که مملو از عبرت‌ها است؛ قرآن در آیه ۱۱۰ سوره یوسف به این مورد اشاره داشته و این سوره عبرت است برای انسان تا بفهمد که قدر و اقتدار و ثروت در دنیا ماندگاری ندارد. قرآن کریم در جای دیگر تاریخ را هم در مورد این واعظ بیان می‌کند آنجا که در باره داستان ابراهیم می‌فرماید: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ»، البته این گروه بت پرست بعد از اینکه به وجدان خود مراجعه کردند باز به عقاید بلید خود بازگشتند. این مرجع تقلید با بیان اینکه اگر وجدان عمومی جامعه بیدار باشد و همه بدی را بد بدانند و خوبی را خوب تشخیص دهند مشکلات جامعه حل می‌شود، اظهار داشت: وقتی یک عمل زشت کوچک تکرار می‌شود، کم کم قبح آن از بین می‌رود و در نگاه افراد گناهان بزرگ هم کوچک جلوه می‌کند.

ایشان افزود: خبری را امروز شنیدم که بسیار متاثر شدم و آن اینکه وزیر علوم که بنده از شجاعت و درایت ایشان مطلع هستم، قصد داشتند دو طرح را اجرا کنند، اول اینکه برخی از اساتید دانشگاه‌های ما - البته اکثر اساتید ما از این جریان به دورند - در کلاس‌های درس خود اصول دین و مذهب را زیر سوال می‌برند و با این کار امید را در دل دانشجویان از بین می‌برند، تصمیم گرفته‌اند که آن‌ها را بازنشسته کنند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی گفت: دومین اقدام ایشان، این است که دختران و پسران را در دانشگاه‌ها به تدریج و از پایه از هم جدا کنند. در آلمان این کار را انجام دادند تا به بازده علمی بیشتری دست یابند. آن‌ها به مسایل شریعت و دین کاری ندارند اما ما باید این کار را هم برای دین خود و هم برای پیشرفت علمی بیشتر جوانانمان عملی کنیم. اما متأسفانه برخی مسولین از بالا دستور دادند نباید چنین کاری را انجام دهید. اولاً نباید دست به اساتید بزنید و ثانیاً مساله جدا سازی یک امر سطحی و غیر حکیمانه است، شنیدن اینگونه مسایل انسان را ناامید می‌کند.

ایشان تأکید کرد: کسی که در درس خود در میان جوانان اسلام را زیر سوال می‌برد باید برکنار شود چرا که خطری برای جامعه است. گفتنی است رئیس جمهور در نامه‌ای به وزیر علوم خواهان توقف بازنشستگی اساتید و اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها شده بود.

برگزاری مراسم بزرگداشت امام جمعه فقید یزد در قم



خود بر این خدمات تکیه داشتند. وی، حجت الاسلام صدوقی را انسانی معتدل معرفی کرد و گفت: مرحوم صدوقی انسانی متواضع و معتقد بود هر چند از نظر سلیقه سیاسی با برخی از جریان‌های مخالف بود اما در طول این سال‌ها حرفی نزد که باعث ایجاد تنش و اختلاف شود.

امام جمعه قم با اشاره به خدمات فراوان ایشان و آیت الله صدوقی به حوزه علمیه افزود: همه روحانیون یزد و اقشار مختلف مردم ایشان را قبول داشتند و در واقع ایشان به گونه‌ای رفتار کرد که باعث ایجاد وحدت بین مردم و همچنین روحانیون بود.

آیت الله استادی با اشاره به تجلیل مردم یزد از مرحوم صدوقی در مراسم تشییع جنازه ایشان اظهار داشت: این گونه تجلیل‌ها باید برای مسئولان و غیر مسئولان درس باشد که نمی‌توان هیچگاه مردم را از روحانیت جدا کرد. آیت الله استادی در ادامه از نامه اخیر رئیس جمهور مبنی بر جلوگیری از طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها انتقاد کرد و ابراز داشت: چهار نفر دلسوز بعد از مشاوره و تلاش فراوان، به این نتیجه رسیدند که برای کاهش فساد و بدحجابی در دانشگاه بین دختر و پسر تفکیک

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی:

دکانهای مریدپروری ریشه برخی نحله‌ها



رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی با تأکید بر گرایش ذاتی انسان به جمع میان زندگی مادی و معنوی، خلأ معنویت مطلوب اسلامی در جامعه را زمینه ساز ایجاد عرفانهایی نوظهور دانست. وی حجم تبلیغاتی را سومین عامل گرایش برخی به سمت محافل معنویت‌گرای جدید

و گفت: انسان به صورت طبیعی و فطری در پی این است که میان زندگی مادی و مفاهیم معنوی جمع کند، پاره‌ای از عرفانهایی نوظهور با این ادعا خود را معرفی می‌کنند که می‌توانند در زندگی کنونی وجه جمعی برای این زندگی مادی و مفاهیم معنوی باشند لذا برخی این

مباحث را انتخاب می‌کنند. اما وجه جمع مطلوب و واقعی فیما بین معنویت از سوی اسلام معرفی شده است. البته ما در این زمینه دچار ضعفی از حیث معرفی وجه جمع‌های دقیق هستیم. لذا بر پژوهشگران و مصلحان جامعه است که در این امر اهتمام ورزند.

وی حجم تبلیغاتی را سومین عامل گرایش برخی به سمت محافل معنویت‌گرای جدید خواند و گفت: یک حجم تبلیغاتی در راستای معرفی این نحله‌ها وجود دارد و با ظرفیت خاصی در پی نشر این مسائل هستند که جای توجه دارد. علاوه بر آن دست‌شیدان و ناپاکانی در ورای این عرفانهایی نوظهور وجود دارد که در پی یارگیری هستند و با شیوه‌های نزدیک و چهره‌به‌چهره و کاملاً محدود این مسئله را دنبال می‌کنند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی افزود: عامل دیگر این است که ما در فضای اجتماعی گاهی به صورت اصلی و حداکثری در پاره‌ای از زمینه‌ها بهایی که باید به آنچه که دین به آن بهای اصلی را داده نمی‌دهیم و گاهی برنامه‌ریزان به علل مختلف اصالتی که باید به معنویت و ارتقای آن در جامعه بدهند را نمی‌دهند. به همین دلیل گاهی در مواردی این فعالیت‌های موقوم معنویت در سطح ضعیفی انجام می‌گیرد و در نتیجه نه تنها معنویت مطلوب اسلامی قوت نمی‌گیرد بلکه زمینه ایجاد خلأ معنوی را در پی دارد که اینجا

کنند، اما متأسفانه رئیس جمهور نامه داده که این طرح عالمانه نیست. وی افزود: برای نظام اسلامی خوب نیست که فساد در آن وجود داشته باشد، بخشی از این فساد در دانشگاه است، اما اینکه رئیس جمهور جلوی دلسوزان را برای مقابله با این فساد در دانشگاه‌ها بگیرد بد است، زیرا نظام ما اسلامی است و همه تلاش‌ها باید برای متدین کردن جامعه باشد، و نباید نسبت به امور فرهنگی و مذهبی بی‌توجه بود، چرا که در این صورت همه زحمات نیز از بین می‌رود.

آیت الله استادی در ادامه با بیان اینکه در طول تاریخ تنها قشری که جلوی انحرافات را گرفته و از مکتب اهل بیت(ع) دفاع کرده، روحانیت بوده است، اظهار داشت: روحانی برای تأثیرگذاری در جامعه باید معتدل باشد، یک روحانی نباید چاپلوس و اهل افراط و تفریط باشد، نباید نان به نرخ روز بخورد و یا از دشمن غافل شود بلکه باید برای دفاع از دین و انقلاب در صحنه حاضر باشد. یک روحانی نباید اگر با کسی مخالف است و یا تصور می‌کند کسی راه اشتباه می‌رود اخلاق اسلامی را زیر پا بگذارد، بلکه باید به هوش باشد و بداند که موضع‌گیری و گفته‌های او چه آثار و نتایجی به همراه دارد.

عرفانی نوظهور این فضای خالی را ایجاد می‌کنند. در واقع ایجاد خلأ معنوی در جامعه خدمتی برای حضور نحله‌های انحرافی معنویت‌گرا و عرفانهایی نوظهور است. وی یادآور شد: علاوه بر این مباحثه‌های فنی مربوط به معرفت عرفانهایی نوظهور را در سطح گسترده و برنامه‌ریزی شده و پژوهشی کم داریم و باید برای حل آن ستاد فراگیر و چندوجهی به معنای دقیق تشکیل شود تا از موازی کاری به سمت انسجام کاری برویم. ما چیزی از حیث معرفی عرفانهایی اصیل کم نداریم و از سویی زمینه‌های رسواسازی عرفانهایی کاذب نیز کم نیست اما باید این مسائل جهت یافته و دقیق باشد و از طرفی این ستاد زمینه مطالعاتی عرفانهایی دقیق اسلامی و معرفی معنویت منعطف اسلامی را ایجاد کند تا جوانان به دام این عرفانهایی کاذب نیفتند.

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی در پاسخ به این سؤال که آیا ریشه نحله‌های معنویت‌گرای جدید در خارج است یا در داخل و به باورهای خرافی جامعه بازمی‌گردد، گفت: بر دو دسته هستند بخشی از آنها عرفانهایی وارداتی است اما عده‌ای در پی گسترش آن در جامعه هستند و بخشی از آنها داخلی است که یا ریشه در خرافات دارد و یا ریشه در باز کردن دکانهای مریدپروری دارد.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی در پایان تأکید کرد: آنچه در ایران است چون به شکل خلق الساعه‌ای است ریشه در خرافه سازی و اوهام و فریبکاری و شیادی افراد دارد اما زمینه اصلی گرایش به این مسئله جهل، خرافه و معنویت‌خواهی انسانها است که انسان در مصادیق دچار اشتباه می‌شود و یا احیاناً خلأ‌های معنوی است که موجب رشد این اوهام خرافات می‌شود.

منبع: خبرگزاری مهر

رهبر انقلاب در دیدار اساتید و کارشناسان تخصصی مهدویت:

تطبیق برخی علائم ظهور بر اشخاص اقدامی غلط و انحرافی است



حضرت آیت الله خامنه‌ای در همین خصوص افزودند: فرد منتظر باید همواره خصوصیات و ویژگیهای لازم دوران مورد انتظار را در خود حفظ و تقویت کند و این انتظار، به گونه‌ای است که از یک طرف، هیچگاه نباید آن را طولانی مدت تصور کرد و از طرف دیگر هیچگاه نباید آن را بسیار نزدیک دانست.

ایشان با اشاره به ویژگیهای دوران ظهور حضرت صاحب الزمان (عج)، تأکید کردند: دوران آن حضرت، دوران حاکمیت توحید، عدل، حق، اخلاص، و عبودیت خدا است، بنابراین افراد منتظر نیز باید همواره خود را به این ویژگی‌ها نزدیک کنند و به وضع موجود راضی نباشند.

سومین نکته‌ای که رهبر انقلاب اسلامی در موضوع مهدویت به آن اشاره کردند، ضرورت انجام کارهای عالمانه، دقیق و مستند بود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای خاطر نشان کردند: یکی از خطرهای بزرگ در موضوع مهدویت، کارهای عامیانه، جاهلانه، غیرمستند و متکی بر تخیلات و توهمات است که زمینه ساز مدعیان دروغین و دوری مردم از حقیقت واقعی انتظار خواهد شد.

ایشان با اشاره به مدعیان دروغینی که در طول

حقیقی توحید، معنویت، دین و عدل بر شئون مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها است. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: اگر مهدویت نباشد، همه تلاش‌ها و مجاهدت انبیاء بی‌فایده و بی‌اثر خواهد بود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای به موضوع مهدویت در ادیان الهی نیز اشاره کردند و افزودند: در همه ادیان الهی، تقریباً کلیاتی از حقیقت مهدویت بیان شده اما در اسلام، این موضوع از مسلمات است و در میان مذاهب اسلامی نیز، شیعه، موضوع مهدویت را با مصداق روشن و جزئیات خانوادگی و شخصیتی فرد مورد انتظار که از روایات معتبر و مستند شیعه و غیر شیعه، به دست آمده، مطرح می‌کند.

رهبر انقلاب اسلامی بعد از تبیین اهمیت موضوع مهدویت و جایگاه آن در ادیان الهی و مذاهب اسلامی، به موضوع انتظار به عنوان جزء جدایی ناپذیر مهدویت اشاره و خاطر نشان کردند: انتظار به معنای مترصد یک فرد زنده و حقیقت قطعی بودن، است و این معنا از انتظار، لوازمی دارد که از جمله آن‌ها، آماده شدن روحی و درونی و همچنین اجتماعی انسان برای دوران متوقع و با شرایط ویژه آن است.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به مدعیان دروغینی که در طول تاریخ برخی علائم ظهور را بر خود یا دیگران تطبیق می‌دادند، افزودند: همه این موارد غلط و انحرافی است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از اساتید، کارشناسان، مؤلفان و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت، با اشاره به اهمیت بسیار بالای موضوع مهدویت به عنوان هدف حرکت و مجاهدت انبیاء در طول تاریخ، انتظار را بخش جدایی ناپذیر موضوع مهدویت دانستند و تأکید کردند: یکی از موارد مهم و ضروری در مقوله مهدویت، افزایش کارهای عالمانه، دقیق و متقن به دست اهل فن و متخصصان واقعی این موضوع و پرهیز از کارهای عامیانه، جاهلانه، غیرمعتبر و براساس تخیلات و توهمات است.

ایشان در سخنان خود، ابتدا به تبیین اهمیت موضوع مهدویت پرداختند و با تأکید بر اینکه مهدویت در شمار چند مسئله اصلی معارف عالی دینی است، افزودند: هدف حرکت انبیاء و بعثت‌ها، پایه ریزی جهانی با چارچوب توحیدی و براساس عدالت و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های موجود در انسان است و دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز، دوران حاکمیت

تاریخ برخی علائم ظهور را بر خود یا دیگران تطبیق می‌دادند، افزودند: همه این موارد غلط و انحرافی است زیرا برخی مطالب درباره علائم ظهور، غیرقابل استناد و ضعیف است و مطالب معتبر را هم نمی‌توان براحتی تطبیق داد.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: اینگونه مطالب غلط و انحرافی، باعث می‌شوند، حقیقت اصلی مهدویت و انتظار مهجور بماند، بنابراین، باید به شدت از کارها و شایعات عوامانه پرهیز کرد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای خاطر نشان کردند: البته کار عالمانه و مستند درباره موضوع مهدویت و انتظار نیز بر عهده اهل فن و متخصصان است که علم حدیث و رجال را به خوبی می‌دانند و با مسائل و تفکرات فلسفی آشنایی کامل دارند.

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

۶- حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی: بررسی حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم این قوانین یکی از بدیهی ترین و اساسی ترین حقوق افراد را مطرح می‌سازد و با درج در قوانین اساسی و اسناد و معاهدات بین المللی، ضمانت اجرایی یافته است. مقایسه تطبیقی قانون اساسی مشروطه با جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تفاوت‌ها و مشابهت‌های این دو قانون را در زمینه حقوق ملت نشان دهد و روشن سازد که این دو قانون از نظر مبانی و ویژگی‌ها و بنیان‌ها متفاوت هستند.

امور خارجه، پارلمان، سرویس امنیتی آن کشور، سفارت انگلیس در تهران و رسانه‌های تحت امر دولت انگلیس مانند سرویس جهانی بی.بی.سی در قبال این حماسه بزرگ از جوانب مختلف قابل تحلیل و ارزیابی است. در این جریان کارکرد تلویزیون فارسی بی.بی.سی در قبال حوادث پس از انتخابات ایران از یک رسانه مستقل و یا نیمه مستقل، به یک رسانه صرفاً معارض و مخالف تبدیل شد.

۵- نفت و سیاست خارجی ایران در دهه اول انقلاب اسلامی (۱۳۶۷-۱۳۵۷): نفت در سیاست خارجی جدید



اقتصادی و سیاسی برای کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز تبدیل شود. اسلام گراهای سعی دارند تلفیقی از اسلام و دموکراسی را به عنوان الگو ارائه داده یا به تعبیر دیگر نشان دهند که اسلام مخالف دموکراسی نیست. در سطح فرمانطقه ای نیز اتحادیه اروپا خواهان تداوم اصلاحات در ترکیه است که



نتیجه آن تقویت اسلام گرایان و روند اسلام‌گرایی در این کشور می‌باشد.

۳- ابوذر انقلاب: این اثر از



مجموعه دانستی‌های انقلاب برای جوانان می‌باشد که زندگی و مبارزات آیت الله طالقانی را بیان می‌نماید.

۴- نقش انگلیس در فتنه ۱۳۸۸: حماسه انتخابات دهم ریاست جمهوری بازتاب‌های گوناگونی در جهان از جمله انگلیس داشت. دخالت‌های آشکار مقامات رسمی و غیر رسمی این کشور در سطوح عالی نظیر نخست‌وزیر، وزیر

۱- انقلاب اسلامی در کرمانشاه (جلد اول و دوم): کرمانشاه از کانون



های مهم، تأثیرگذار، سرنوشت ساز و پرحادثه در انقلاب اسلامی ایران محسوب می‌شود. شناخت تحولات تاریخی آن در روزهای انقلاب بخشی عظیم از روایت داستان انقلاب اسلامی است؛ داستانی که عناصر و نقش آفرینان آن تمام آرمان‌ها، ایده‌ها، اعتقادات، ایمان و افکار خود را در آن به نمایش گذاشته‌اند. این کتاب تنها پاره‌ای از این داستان عظیم را در آن منطقه بازگو می‌کند نه تمام آن؛ چراکه هنوز محدودیت‌های زمان و منابع اجازه و امکان حصول به تمام داستان را فراهم نمی‌سازند، لیکن این راهی است که بایستی آغاز می‌شد. این کتاب گوشه‌هایی از حدیث‌سازان را در آن منطقه روایت می‌کند و امید است که مقدمه‌ای مؤثر برای شناخت و ادامه این راه باشد.

۲- سیاست خارجی اسلام گرایان ترکیه: پیروزی قاطع حزب عدالت و توسعه، در انتخابات پارلمانی ترکیه و تشکیل یک حکومت قدرتمند به رهبری رجب طیب اردوغان فضای جدیدی را در عرصه سیاست خارجی این کشور به وجود آورده است. در سطح منطقه، ترکیه تلاش می‌کند به یک الگوی

معرفی کتاب پویایی ایمان

اخیراً در حوزه اندیشه دینی، گرایش به مطالعه مذهب از منظر بیرون دینی پررنگ‌تر شده است. عرصه مطالعه مذهب آغاز شده است. گرچه این روش در میان دانشمندان مغرب زمین مدت زیادی است که در جریان است اما در ایران اسلامی و در دیگر کشورهای اسلامی یک تلاش علمی-پژوهشی نوینی است که از عمر آن شاید دو دهه می‌گذرد.

کتاب پویایی ایمان اثر پل تیلیش Dynamics of Faith Paul-Tillich کتاب قابل توجهی است که توسط حجت الاسلام والمسلمین آقای سید محمد تقی به فارسی ترجمه شده است و در عرصه فلسفه دین و دیگر مسائل مطالعه مذهب از منظر بیرون دینی چاپ شده است. این عنوان در فهرست کتاب پویایی ایمان عنوان شده‌اند:

۱- دین و زندگی هدفدار. ۲- ایمان چیست؟ ۳- ایمان چه چیز نیست. ۴- سمبل‌های دینی. ۵- سمبل‌ها و اسطوره‌ها. ۶- نقش اسطوره در عملکرد ایمان. ۷- حقیقت ایمان. ۸- ویژگی علم. ۹- همبستگی مذهب و فلسفه. ۱۰- ایمان و ثبات شخصیت. ۱۱- ایمان، عشق - عمل. ۱۲- تمایز عشق یونانی با عشق توحیدی. ۱۳- جامعه ایمانی و توصیف آن. ۱۴- رویارویی مذهب با مذهب. ۱۵- ضرورت و لزوم عقیده مند بودن در عصر حاضر. کتاب در ۱۵۴ صفحه در ۱۰۰۰ نسخه به وسیله انتشارات بهمن آراء و به ارزش ۱۹۰۰ تومان چاپ شده است.

مجموعه سایت‌های مرکز:

سایت مرکز بررسی‌های اسلامی
www.iscq.ir
سایت استاد خسروشاهی
www.khosroshahi.org
سایت سید جمال‌الدین اسدآبادی
www.moslehesargh.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی
دو هفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی خسروشاهی
سردبیر:
سید محمود خسروشاهی
دفتر مرکزی:
قم: خیابان شهدا (صفائییه) نیش ممتاز
تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳
صندوق پستی: ۱۳۶
چاپ: مینایی
پست الکترونیکی:
Besatonline@gmail.com